

روش‌شناسی حکم

محمد عرب‌صالحی

شناسنامه پژوهشی

- عنوان تحقیق: روش‌شناسی حکم
- پژوهشگر: حکمت‌الاسلامین، رومی
- گروه علمی: منطق اسلامی - ابن
- محقق: محمد عرب‌صالحی
- ارزیابان علمی: آقایان حمیدرضا شاکرین و رضا اسلامی
- موضوع اصلی: فلسفه اصول فقه
- موضوع فرعی: حکم‌شناسی و روش‌شناسی آن



کتابخانه مجلس شورای اسلامی
سازمان انتشارات



محمد عرب صالحی

ناشر: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

چاپ اول: ۱۳۹۴

شمارگان: ۳۰۰

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

طراح جلد: سیدایمان نوری نجفی

چاپ و صحافی: هنگام

سرشناسه: عرب صالحی، محمد، ۱۳۴۲-.

عنوان و نام پدیدآور: روش شناسی حکم / محمد عرب صالحی.

مشخصات نشر: تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۴

مشخصات ظاهری: ۲۸۳ص.

شابک: ۰ - ۳۱۵ - ۱۰۸ - ۶۰۰ - ۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه. یادداشت: نمایه.

موضوع: اصول فقه - فلسفه.

موضوع: حکم واقعی (فقه).

موضوع: حکم وضعی (فقه).

شناسه افزوده: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ / ۴۹ / ۱۵۵ - BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۳۱

شماره کتاب شناسی ملی: ۳۹۷۰۷۲۲

تقاطع بزرگراه شهید مدرس و خیابان شهید بهشتی، پلاک ۵۶

تلفن: ۸۸۵۰۴۴۰۲ - ۸۸۵۰۳۳۴۱

www.poiict.ir

همه حقوق محفوظ است

فهرست اجمالی

۲۱.....	مقدمه
۳۳.....	فصل اول: چیستی حکم و برآیند روش شناختی آن
۳۷.....	گفتار اول: معانی اء ار و اعتباری اقسام آن
۵۱.....	گفتار دوم: تعریف و چیستی حکم شرعی
۷۱.....	گفتار سوم: برآیند روش شناختی اهمیت حکم
۸۵.....	فصل دوم: قلمرو حکم شرعی و برآیند روش شناختی آن
۸۹.....	گفتار اول: قلمرو حکم شرعی
۹۷.....	گفتار دوم: برآیند روش شناختی قلمرو حکم
۱۳۱.....	گفتار سوم: بررسی دیدگاه‌ها در حجیت خبر واحد در تفسیر علوم انسانی
۱۵۹.....	فصل سوم: ساختار داخلی حکم تکلیفی و برآیند روش شناختی آن
۱۶۳.....	گفتار اول: تبیین ساختار داخلی حکم
۱۷۳.....	گفتار دوم: بررسی و تحلیل مبنای مهم خطابات قانونیه
۲۰۳.....	فصل چهارم: مبادی حکم و برآیند روش شناختی آن
۲۰۷.....	گفتار اول: ضرورت تبعیت احکام از ملاکات واقعی
۲۱۹.....	گفتار دوم: خاستگاه ملاکات در احکام
۲۲۵.....	گفتار سوم: عقل و کشف ملاک حکم شرعی
۲۴۷.....	فصل پنجم: انواع حکم و برآیند روش شناختی هر کدام
۲۵۱.....	گفتار اول: ماهیت حکم حکومتی و برآیند روش شناختی آن

فهرست تفصیلی

۱۷	پیشگفتار
۲۱	مقدمه
۲۱	الف) تبیین مسئله
۲۳	ب) اهداف و ضرورت تحقیق
۲۳	ج) سؤال‌های تحقیق
۲۳	۱-ج) مسئله اصلی تحقیق
۲۴	۲-ج) سؤال‌های فرعی تحقیق
۲۴	د) فرضیه یا فرضیه‌های تحقیق
۲۴	هـ) فرضیه‌های رقیب
۲۵	و) پیشینه تحقیق
۲۶	ز) روش تحقیق
۲۶	ح) نوآوری‌های تحقیق
۳۰	ط) نقدهای ایرادشده در تحقیق
۳۰	ی) ساختار تحقیق
۳۳	فصل اول: چیستی حکم و برآیند روش شناختی آن
۳۷	گفتار اول: معانی اعتبار و اعتباری و اقسام آن
۳۷	الف) معنای اعتباری
۳۸	ب) اقسام اعتبار به معنای چهارم

- ج) ایرادهای وارد بر تقسیم آقای سیستانی ۳۹
- د) بررسی دیدگاه‌ها در حقیقت امر اعتباری ۴۰
- د-۱) معنای اعتباری در نظر علامه طباطبایی ۴۰
- د-۲) حقیقت امر اعتباری در نظر آقایان و نقد آن ۴۱
- د-۳) نظر استاد لاریجانی (ازوم تفکیک میان بحث معناشناختی و بحث زبان‌شناختی) ۴۳
- ه) اعتبار، انشا و تنزیل ۴۴
- ه-۱) بررسی دیدگاه‌ها در معنای انشا ۴۴
- ه-۱-۱) نظر مشهور ۴۴
- ه-۲) نظر آقایان ۴۵
- ه-۳) نظر محقق خویی ۴۶
- ه-۲) راه‌ها به اعتبار و تنزیل ۴۷
- نتیجه‌گیری ۵۰
- گفتار دوم: تعریف و چیهستی حکم شرعی** ۵۱
- الف) تعریف لغوی و اصطلاحی ۵۱
- ب) ماهیت احکام تکلیفی شرعی ۵۳
- ب-۱) جایگاه بحث ۵۳
- ب-۱-۱) تفاوت بحث از حکم با بحث در مدارب صیغه امر و نهی ۵۵
- ب-۱-۲) مبنای دیدگاه‌ها در ماهیت حکم ۵۶
- ب-۲) بررسی دیدگاه‌ها در ماهیت حکم تکلیفی ۵۶
- ب-۲-۱) ماهیت حکم از نظر آقایان ۵۶
- ب-۲-۲) ماهیت حکم از نظر محقق اصفهانی ۵۸
- ب-۲-۳) ماهیت حکم از نظر علامه طباطبایی ۵۹
- ب-۲-۴) ماهیت حکم از نظر محقق خویی ۶۰
- ب-۲-۵) ماهیت حکم از نظر محقق روحانی و نقد آن ۶۰
- ب-۲-۶) نگاهی متفاوت به ماهیت حکم ۶۲
- ب-۲-۷) نظر نهایی ۶۴

- نتیجه‌گیری ۶۹
- گفتار سوم: برآیند روش شناختی ماهیت حکم ۷۱
- الف) برآیند روش شناختی اعتباری بودن حکم ۷۱
- ب) کارکرد عقل استدلالی در اعتباریات از نگاه علامه طباطبایی ۷۳
- ج) ایرادهای وارد بر نظر علامه طباطبایی ۷۴
- د) ماهیت گزاره‌های اصولی و کاربرد استدلال و برهان منطقی ۷۸
- ۱-د) نظر علامه طباطبایی و نقد آن ۷۸
- ۲-د) نظر محقق خویی و نقد آن ۸۰
- نتیجه‌گیری ۸۲
- فصل دوم: قلمرو حکم شرعی و برآیند روش شناختی آن ۸۵
- گفتار اول: قلمرو حکم شرعی ۸۹
- الف) اشاره اجمالی به تقسیمات اساسی دین و تعیین قلمرو هر کدام ۸۹
- ب) عدم خلط واقعه از حکم ۹۰
- ۱- ب) طرح مسئله ۹۰
- ۲- ب) بررسی اقوال در مسئله ۹۲
- ۳- ب) نظر مختار ۹۳
- نتیجه‌گیری ۹۶
- گفتار دوم: برآیند روش شناختی قلمرو حکم ۹۷
- الف) درآمد ۹۷
- ب) بررسی دیدگاه‌ها در حجیت خبر واحد در اعتقادات ۹۸
- ۱- ب) مراد از حجیت اخبار در غیر حوزه تشریح ۹۹
- ۲- ب) نظر اهل سنت ۱۰۰
- ۳- ب) نظر اخباریون شیعه ۱۰۱
- ۴- ب) نظر شیخ انصاری ۱۰۶
- ۵- ب) نظر علامه طباطبایی ۱۰۸
- ۶- ب) نظر استاد سبحانی ۱۱۳

- ۷- ب) نظر محقق خوبی ۱۱۴
- ۸- ب) نظر استاد لاریجانی ۱۱۶
- ۹- ب) نظر سیدجعفر مرتضی‌العاملی و نقد آن ۱۱۷
- ۱۰- ب) نظر شیخ محمد سند و نقد آن ۱۱۹
- ۱۲۸..... نتیجه‌گیری
- گفتار سوم: بررسی دیدگاه‌ها در حجیت خبر واحد در تفسیر و علوم انسانی ۱۳۱
- الف) بررسی دیدگاه‌ها ۱۳۱
- ۱- الف) نظر محقق خوبی ۱۳۱
- ۲- الف) نظر استاد فاضل لنکرانی ۱۳۲
- الف) نظر استاد معرفت ۱۳۳
- ۴- الف) نقد نظریات سه محقق مذکور ۱۳۴
- ۵- الف) راه‌های دیگر حجیت و نقد آن ۱۳۹
- ۶- الف) نگاهی تأییدی و رد آن ۱۵۰
- ب) نظر نهایی ۱۵۲
- ۱۵۶..... نتیجه‌گیری
- فصل سوم: ساختار داخلی حکم تکلیفی و برآیند روش‌شناختی آن ۱۵۹
- گفتار اول: تبیین ساختار داخلی حکم ۱۶۳
- الف) تفکیک موضوع، متعلق و متعلق متعلق در حکم ۱۶۳
- ۱- الف) نظر شهید صدر ۱۶۴
- ۲- الف) نظر استاد لاریجانی ۱۶۵
- ب) مراتب حکم ۱۶۸
- ۱- ب) نظر آخوند خراسانی و نقد آن ۱۶۸
- ۲- ب) نظر امام خمینی ۱۷۰
- ۱۷۱..... نتیجه‌گیری
- گفتار دوم: بررسی و تحلیل مبنای مهم خطابات قانونیه ۱۷۳
- الف) درآمد ۱۷۳

- ب) ادله و شواهد قول به خطابات قانونیه ۱۷۷
- ج) آثار مترتب بر قول به خطابات قانونیه ۱۸۰
- د) اشکالات وارده بر قول به خطابات قانونیه و پاسخ آن ۱۸۳
- ۱- د) مخالفت خطابات قانونی با کیفیت تخاطب مردم حجاز در زمان نزول قرآن .. ۱۸۳
- ۲- د) استحاله اهمال در احکام الهی ۱۸۸
- ۳- د) عویصه انحلال ضمنی خطابات قانونیه ۱۹۰
- ۴- لزوم افتراق بین مطلق با عام و عدم افتراق بین عام مجموعی با عام افرادی ۱۹۲
- ۵- د) عدم جریان خطابات قانونیه در نواهی ۱۹۳
- ۶- د) مخالفت این به خطابات قانونیه با ظاهر برخی آیات ۱۹۴
- ۷- د) انبیا رفوعه ص قانونی در عرف ۱۹۵
- ۸- د) اشکال نذنی رضی ۱۹۷
- ۹- د) اشکال در کیفیت تصرف در اوقات قانونیه ۱۹۸
- نتیجه گیری ۲۰۰
- فصل چهارم: مبادی حکم و برآیند روش فقهی آن ۲۰۳
- گفتار اول: ضرورت تبعیت احکام از ملاکات واقعی ۲۰۷
- الف) جایگاه بحث ۲۰۷
- ب) ادله تبعیت احکام از مصالح و مفاسد ۲۱۱
- ۱- ب) ادله عقلی ۲۱۲
- ۲- ب) دلالت آیات ۲۱۴
- ۳- ب) نظر رقیب و بررسی آن ۲۱۵
- ۳-۱ ب) شواهد دیدگاه رقیب ۲۱۶
- ۳-۲ ب) اشکالات وارد بر این دیدگاه ۲۱۷
- نتیجه گیری ۲۱۸
- گفتار دوم: خاستگاه ملاکات در احکام ۲۱۹
- الف) جایگاه بحث ۲۱۹
- ب) بررسی دیدگاهها در خاستگاه ملاک ۲۲۰

- ۱- (ب) متعلق حکم، خاستگاه انحصاری ملاک ۲۲۰
- ۱-۱ (ب) استحاله تعلق حکم به متعلق بدون ملاک ۲۲۰
- ۱-۲ (ب) تنافی با معنای حکم ۲۲۲
- ۱-۳ (ب) لغویت مصلحت در نفس جعل ۲۲۳
- ۲- (ب) امکان وجود ملاک در متعلق حکم یا در نفس حکم ۲۲۳
- ۲-۱ (ب) استدلال به اوامر امتحانیه و پاسخ آن ۲۲۴
- ۲-۲ (ب) استدلال به عبادات قریبه و پاسخ آن ۲۲۶
- ۲-۳ (ب) استدلال به اوامر تقیه‌ای و پاسخ آن ۲۲۸
- ۲-۴ (ب) استدلال به اوامر و نواهی ظاهری و رد آن ۲۲۸
- ۳- (ب) امکان وجود ملاک در متعلق یا در حکم یا غیر آن دو ۲۲۹
- ۳-۱ (ب) استدلال به اوامر امتحانیه و رد آن ۲۳۰
- ۳-۲ (ب) استدلال به اوامر تقیه‌ای و رد آن ۲۳۱
- ۳-۳ (ب) استدلال به اوامر صادر شده برای اظهار آمریت و پاسخ آن ۲۳۲
- نتیجه‌گیری ۲۳۳
- گفتار سوم: عقل و کشف ملاک حکم شرعی ۲۳۵
- الف) بررسی دیدگاه‌ها در مسئله ۲۳۵
- ۱- الف) امتناع فهم ملاک از سوی عقل شرعی ۲۳۵
- ۲- الف) امکان فی الجمله فهم ملاک توسط عقل شرعی ۲۳۷
- ۳- الف) تفصیل میان کشف ملاک حکم مکشوف و کشف ملاک حکم مرسول به حکم و رد آن ۲۳۸
- ۴- الف) امکان فی الجمله اما بی‌ثمر بودن درک ملاک و پاسخ آن ۲۴۰
- ب) نظر مختار ۲۴۱
- ۱- (ب) جهات شش‌گانه قاعده ملازمه ۲۴۲
- ۲- (ب) ملازمه عقل با شارع در درک مصلحت و مفسده ۲۴۲
- ۳- (ب) ملازمه عقل با شارع در درک حسن و قبح ۲۴۳
- ۴- (ب) ملازمه میان درک هر یک از مصلحت و مفسده با حکم مولوی ۲۴۳
- ۵- (ب) ملازمه میان امر و نهی مولوی با مصلحت و حسن یا قبح متعلق ۲۴۴

- نتیجه‌گیری ۲۴۵
- فصل پنجم: انواع حکم و برآیند روش‌شناختی هر کدام ۲۴۷
- گفتار اول: ماهیت حکم حکومتی و برآیند روش‌شناختی آن ۲۵۱
- مقدمه ۲۵۱
- الف) ماهیت حکم حکومتی ۲۵۳
- ۱- الف) حکم ولایی و توقیت ۲۵۸
- ۲- الف) قلمرو حکم حکومتی ۲۶۰
- ۲-۱) الف) نظر شهید صدر ۲۶۰
- ۲-۲) الف) راه حضرت امام خمینی به احکام حکومتی ۲۶۱
- ب) روش‌شناسی احکام حکومتی ۲۶۳
- ۱- ب) قاعده اولیه ۲۶۴
- ۲- ب) روش‌شناسی تشخیص مصلحت در احکام حکومتی ۲۶۴
- ۲-۱) ب) لسان ادله (نصوص نقلی) ۲۶۵
- ۲-۲) ب) مرتکبات متشرعه ۲۶۶
- ۲-۳) ب) دلیل عقل ۲۶۷
- ج) روش‌شناسی مصادیق مصلحت ۲۶۷
- ۱- ج) لزوم تفکیک میان موضوع و مصداق ۲۶۷
- ۲- ج) حجیت همه راه‌های عرفی عقلایی در تشخیص مصلحت ۲۶۸
- ۳- ج) مواردی از واگذاری تشخیص مصداق به عرف عقلا در استنباط ۲۶۸
- ۴- ج) جایگاه مشورت در احکام حکومتی ۲۷۰
- ۵- ج) نقش روش‌های نقلی در تعیین مصادیق مصالح حکومت ۲۷۳
- ۶- ج) تشخیص مصادیق مصلحت از طریق قیاس، استحسان ۲۷۵
- د) روش‌شناسی احکام تشریعی، قضایی و ولایی معصوم در روایات ۲۷۹
- نتیجه‌گیری ۲۸۱
- گفتار دوم: مولوی و ارشادی ۲۸۳
- الف) تعریف حکم ارشادی ۲۸۴

- ۲۸۶..... (ب) اطلاقات ارشادی و پیشینه آن
- ۲۸۶..... ۱- (ب) لزوم تفکیک میان دو اطلاق حکم ارشادی
- ۲۸۹..... ۲- (ب) سایر اطلاقات ارشادی در کلمات فقیهان
- ۲۹۰..... ۳- (ب) پیشینه بحث
- ۲۹۲..... (ج) روش‌شناسی حکم ارشادی در قبال مولوی
- ۲۹۴..... ۱- (ج) معیارهای مطرح در تشخیص حکم ارشادی از مولوی
- ۲۹۵..... ۱-۱- (ج) معیار مستقلات عقلیه در سلسله علل احکام
- ۲۹۷..... ۱-۲- (ج) معیار مستقلات عقلیه در سلسله معالیل احکام و نقد آن
- ۳۰۱..... ۱-۳- (ج) معیار استحاله حکم مولوی و نقد آن
- ۳۰۲..... ۱-۴- (ج) معیار ارتباط با امور دنیوی و نقد آن
- ۳۰۴..... (د) نظر میرزا حجاب‌الله حسینی
- ۳۰۵..... (ه) نظر نهایی
- ۳۰۷..... (و) اجمالی از معنای ارشادی در کتب فقهی و حدیثی عامه
- ۳۰۹..... (ز) روش‌شناسی حکم ارشاد-تکلیفی
- ۳۰۹..... ۱- (ز) اوامر و نواهی وارد در خصوص مراتب اعتباری
- ۳۱۰..... ۲- (ز) موارد یقین به عدم حکم تکلیفی
- ۳۱۱..... نتیجه‌گیری
- ۳۱۳..... گفتار سوم: احکام امضایی و تأسیسی
- ۳۱۳..... الف) تعریف و اطلاقات حکم امضایی
- ۳۱۵..... ب) تفاوت‌های حکم امضایی و حکم ارشادی
- ۳۱۷..... ج) شرعیت احکام امضایی
- ۳۱۹..... ۱- (ج) ماهیت امضا
- ۳۲۱..... ۲- (ج) احکام امضایی و جعل حکم مماثل
- ۳۲۲..... ۳- (ج) نظر مختار
- ۳۲۳..... (د) روش‌شناسی کشف امضای شارع در احکام امضایی
- ۳۲۴..... (ه) شبهه تاریخ‌مندی بخشی از احکام امضایی و رد آن

- نتیجه‌گیری ۳۲۸
- گفتار چهارم: احکام وضعی ۳۲۹
- الف) تعریف حکم وضعی و وجوه تسمیه آن ۳۲۹
- ب) تفاوت‌های حکم وضعی و حکم تکلیفی ۳۳۱
- ج) گستره حکم وضعی ۳۳۲
- د) امکان جعل در احکام وضعی ۳۳۳
- ه) نظر آخوند خراسانی در حقیقت حکم وضعی و نقد آن ۳۳۴
- و) روش‌شناسی احکام وضعی ۳۳۷
- نتیجه‌گیری ۳۳۸
- گفتار پنجم: حکم ظاهری ۳۳۹
- الف) تعریف حکم واقعی و حکم ظاهری ۳۳۹
- ب) روش‌شناسی جمع بین حکم واقعی و حکم ظاهری ۳۴۰
- ۱- ب) تبیین مسئله ۳۴۰
- ۲- ب) راه‌های برون‌رفت از محذورات حکم واقعی و حکم ظاهری ... ۳۴۱
- نتیجه‌گیری ۳۴۷
- گفتار ششم: حکم تعبدی و حکم توصلی ۳۴۹
- الف) معنای توصلی و تعبدی ۳۴۹
- ب) قلمرو تعبدی و توصلی ۳۵۰
- ج) کیفیت اخذ قصد امثال در متعلق امر در عبادیات ۳۵۱
- د) روش‌شناسی تعبدی و توصلی ۳۵۲
- ۱- د) معانی چهارگانه تعبدی و توصلی ۳۵۲
- ۲- د) مقتضای اطلاق دلیل و اصل عملی در معنای اول ۳۵۳
- ۳- د) مقتضای اطلاق دلیل و اصل عملی در معنای دوم ۳۵۴
- ۴- د) مقتضای اطلاق دلیل و اصل عملی در معنای سوم ۳۵۵
- ۵- د) مقتضای اطلاق دلیل و اصل عملی در معنای چهارم ۳۵۵
- ه) تأثیر مبادی حکم در تعبدیت و قربیت ۳۵۶

۳۵۸.....	نتیجه‌گیری
۳۶۱.....	کتابنامه
۳۷۵.....	فهرست آیات
۳۷۷.....	نمایه اعلام
۳۸۱.....	نمایه موضوعی

www.ketab.ir

پیشگفتار

در پرتو پیروزی انقلاب سکوهمند اسلامی ایران، بار دیگر دین و معرفت دینی، به‌ویژه تعالیم معنوی اسلامی، به عنوان فکر و فرهنگ مترقی و نجات‌بخش آدمی در عرصه حیات انسان معاصر ظاهر شد. تجدید حیات تعالیم و حیاتی و ارزش‌های اسلامی از سویی سبب بیهوشی و خودباوری ملت‌های مسلمان و احیای روح ستم‌ستیزی در آنان شد و از سوی دیگر به نمایان‌تر شدن سست‌پایگی مسلک‌ها و مکاتب بشری و نظام‌های مبتنی بر آنها انجامید.

بایستگی تحقیقات دقیق و منسجم، نظریه‌پردازی و رأوردی درباره زیرساخت‌های اندیشه دینی و نظامات اجتماعی مبتنی بر آن و ضرورت پرداخت علمی و روزآمد به حوادث فکری، به فراخور این رستخیز عظیم و نیز لزوم آشنایی با حوزه فرهنگ ملی و باورداشت‌های رایج دینی به منظور عرضه صحیح، دفاع معقول از اندیشه دینی و زدودن پیرایه‌های موهوم از ساحت قدسی دین و تبیین ریشه‌های صحیح و دفاع معقول از اندیشه دینی و صیانت از هویت فرهنگی و سلامتی بحری قشرهای تحصیل‌کرده و نسل جوان کشور، تأسیس نهاد علمی - پژوهشی و آموزشی، دانشگاهی و حوزوی محض و کارآمدی را فرض می‌نمود.

بر این اساس «پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی» به عنوان یک نهاد علمی - فکری بر اساس نظر رهبر فرهیخته انقلاب اسلامی، آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مد ظله العالی)، با تلاش فراوان آیت‌الله علی‌اکبر رشاد در سال ۱۳۷۳

تأسیس شد.

این پژوهشگاه شخصیتی حقوقی و مستقل دارد و در حکم نهاد عمومی و غیردولتی و غیرانتفاعی است که در قالب چهار پژوهشکده حکمت و دین‌پژوهی، نظام‌های اسلامی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی و دانشنامه‌نگاری دینی و همچنین مرکز پژوهش‌های جوان فعالیت می‌کند.

پژوهشکده حکمت و دین‌پژوهی که مشتمل بر شش گروه علمی با عنوان‌های «عرفت‌شناسی»، «مطالعات قرآن و حدیث»، «فلسفه»، «کلام»، «عرفان» و «منطق فهم دین» است، در جهت تحقق اهداف ذیل فعالیت می‌کند:

۱. باززرهی و بازیبرایی حکمت و کلام و معارف اسلامی؛
 ۲. تبیین و ساماندهی مناسب مباحث زیرساختی اندیشه دینی؛
 ۳. ایجاد بستر مناسب برای تعمق، پویایی و بالندگی اندیشه دینی؛
 ۴. پاسخ به شبهه‌های انزاسی در قلمرو عقاید و کلام اسلامی؛
 ۵. نقد مکاتب و دیدگاه‌های انزاسی در حوزه زیرساخت‌های اندیشه دینی.
- در راستای تحقق اهداف فوق، هر یک از گروه‌ها، پس از تهیه عنوان‌های مطالعاتی اساسی و اولویت‌گذاری و تهیه طرح و تصویب آن در شورای علمی گروه، آن را به اعضای هیئت علمی رد یا محققان عرصه دین‌پژوهی، واگذار می‌کنند و با نظارت بر روند اجرای تحقیق، نهایتاً باید نهایی برای دسترسی عموم دانش‌پژوهان حوزه دین‌پژوهی، آن را به چاپ و نشر می‌رسانند.

روش‌شناسی و منطق فهم و اکتشاف دین، از جمله مسائل مهم دین‌پژوهی است که گروه منطق فهم دین، عهده‌دار این رسالت مهم است و هدف از آن، شناسایی میراثی است که در طول تاریخ توسط عالمان و اندیشمندان مسلمان در راستای روش فهم دین یا منطق اکتشاف گزاره‌ها و آموزه‌های دینی در حوزه‌های گوناگون پدید آمده است. می‌توان اهداف اصلی این گروه را به شرح ذیل برشمرد:

- پیگیری و توسعه تحقیق کلیدی مبانی و منطق اکتشاف دین و تصنیف

روش‌های تخصصی آن؛

- تحلیل، آسیب‌شناسی و نقد و نوسازی میراث غنی اسلامی در ساحت روش‌شناسی تفهم و تحقق دین؛

- مطالعه و نقد مبانی و آرای جدید و معاصر در زمینه روش‌شناسی فهم دین، به‌ویژه دیدگاه‌های مطرح‌شده در حوزه‌های هرمنوتیک، معناشناسی، نشانه‌شناسی، زبان‌شناسی و دانش‌های مشابه، و اصطیاد دستاوردهای معتبر و مقبول این علوم برای بهره‌رسانی در دین‌پژوهی؛

- مطالعه تطبیقی و مقارن علوم و آرای مطرح در قلمرو منطق تفهم و تحقق دین، و پاسخ‌گویی به شبهه‌های مطرح‌شده.

در راستای اهداف یادشده گروه منطق فهم دین کتاب **روش‌شناسی حکم** را در شورای علمی گروه تدوین کرد. پژوهش حاضر بر اساس فرایند پژوهشی پژوهشگاه به قلم محقق ارجمند **مناذرت حاجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد عرب‌صالحی** منتشر می‌شود. نویسنده دانش‌آموخته حوزه علمیه قم است و در سال ۱۳۸۶ مدرک دکتری خود را در رشته فلسفه تطبیقی از دانشکده تربیت مدرس دانشگاه قم اخذ کرده است. از نویسنده معارف حاضر تا کنون کتاب **فهم در دام تاریخی‌نگری** با موضوع هرمنوتیک فلسفی و هیستوریسیزم و **تاریخی‌نگری و دین** در موضوع فلسفه دین و مسئله وحی در موضوع علوم قرآنی در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به چاپ رسیده است.

کتاب حاضر که موضوع اصلی آن «مسائل فلسفه اصول فقه» است، در پنج فصل و هفده گفتار به رشته تحریر در آمده است. چپستی و هستی‌حکم و برابری روش‌شناختی آن، قلمرو حکم شرعی و برابری روش‌شناختی آن، ساختار داخلی حکم، مبادی حکم و برابری روش‌شناختی آن، انواع حکم و برابری روش‌شناختی هر کدام، از سرفصل‌های مهم این تحقیق است.

از محقق گرانمایه که با تلاش‌های مجدانه و با سعه صدر در تولید و بالندگی اثر تلاش کردند، از شورای علمی گروه منطق فهم دین و ارزیابان محترم اثر،

جناب حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حمیدرضا شاکرین و جناب حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر رضا اسلامی که با نکته‌سنجی‌های خود بر غنای علمی اثر افزودند، همچنین از سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی که وظیفه آماده‌سازی، چاپ و نشر اثر را به عهده دارد، قدردانی نموده و منتظر پیشنهادهای و انتقادهای سازنده فرهیختگان و صاحب‌نظران هستیم.

پژوهشکده حکمت و دین پژوهی

گروه منطق فهم دین

www.ketab.ir

مقدمه

الف) تبیین مسئله

از مباحثی که به تازگی میان محققان علوم دینی مطرح شده تدوین روش‌شناسی علوم است. پیداست که هر کدام از این علوم از منهج یا مناهج خاصی پیروی کرده است؛ اما نکته این است که به روش‌شناسی این علوم به طور مستقل کمتر پرداخته شده است. برای مثال، کتب فراهانی در تدوین الایام در کلام و تفسیر نوشته شده، اما روش‌شناسی آنها در کتابی مجزا و به عنوان عامی مستقل کمتر مورد بحث قرار گرفته است. از معدود علوم دینی که همان‌زمان پیدایش روش‌شناسی آن هم به عنوان علمی مستقل شکل گرفته، فقه است که در راه آن اصول فقه نیز تدوین شده است؛ گرچه هنوز برخی در نیاز به آن به عنوان علمی مستقل تشکیک می‌کنند و گروهی هم از اساس منکر کارایی اصول فقهان‌دوین به بحث دیگر اینکه آیا «اصول فقه» موجود که در واقع علمی است تدوین شده برای روش‌شناسی احکام، در سایر حوزه‌های معرفت دینی هم کاربرد دارد یا خیر؟ چه‌بسا تصور شود چون معارف دین از منابع مشخص و محدودی تغذیه می‌شوند، راه رسیدن به آن منابع هم باید یکی باشد؛ به عبارتی چون در اینجا «منابع» تعیین روش می‌کند، در نتیجه اصول فقه باید بتواند به عنوان روش‌شناسی همه علوم دینی کاربرد داشته باشد؛ درحالی‌که در سایر علوم «روش» است که منبع را تعیین و گزینش می‌کند و چون در هر یک، از

روش خاصی استفاده می‌شود، روش خاص طبعاً به منابع خاصی هم دست می‌یابد. در مقابل این دیدگاه می‌توان گفت اصل این فرق میان معارف دینی با سایر علوم قابل پذیرش است؛ اما نکته اینجاست که همه منابع معارف دینی ممکن است منبعی برای همه معارف دینی نباشند و این خود موجب تفاوت در روش‌شناسی خواهد شد. از سوی دیگر فرض وحدت منبع، اقتضا نمی‌کند که راه رسیدن به آن منبع هم در همه حوزه‌های معرفت دینی یکی باشد؛ زیرا اقتضای ذات هر حوزه متفاوت است و این تفاوت‌ها را باید در نظر گرفت. برای مثال، در حوزه فقه و حکم‌شناسی (یا حجت‌شناسی) چون حوزه عمل است و راه یقین به حکم هم بسته است، فقیه به دنبال حجت قطعی است، نه حکم قطعی و این با امور خاصه هم قابل تحصیل است؛ اما در حوزه عقاید گفته شده است یک متکلم به دنبال یافتن یقین و دسترسی به واقع است؛ چیزی که ظن خاص برای او تأمین نمی‌کند؛ بنابراین با اینکه سنت واقعی برای متکلم هم به عنوان منبعی یقین‌آور مطرح است، اما راهی که فقیه را ولو تعبداً به سنت می‌رساند، برای متکلم وافی نیست. او دنبال کسب یقین و رسیدن به واقع است نه رسیدن به منجز و معذر و این با تعبد و ظن سامان نمی‌یابد.

تحقیق حاضر عهده‌دار تبیین ماهیت اسکات تعین و تحلیل ویژگی‌های این بخش از آموزه‌های دینی است؛ از این جهت که در روش‌شناسی کشف و فهم آنها تأثیرگذار است و چه بسا منطق خاصی را در دل روش‌شناسی سایر آموزه‌های دینی اعم از اعتقادات، اخلاق، علم دینی و آموزه‌های تاسی پیشنهاد دهد. بنابراین این نوشتار در وهله اول در پی اثبات یا سلب یک روش و استدلال بر آنها نیست، بلکه سخن از روش‌های اختصاصی است که حسب اقتضای این حوزه در قبال سایر حوزه‌های معرفتی دین، قابل طرح است. گرچه در برخی موارد به اقتضای بحث وارد اصل روش‌شناسی نیز شده است، اما تفصیل بحث در اثبات یا نفی هر یک از روش‌های پیشنهادی از وظایف این تحقیق خارج است. در واقع سنگ‌بنای تحقیقات تفصیلی بعدی در این تحقیق گذاشته می‌شود.

بنابراین تحلیل و تعیین چیستی و ماهیت حکم، قلمرو حکم، ساختار داخلی حکم، مراتب حکم، مبادی حکم و انواع حکم و مختصات آنها و برابند روش شناختی هر یک از این مباحث و مختصات از وظایف اصلی این تحقیق است و چه بسا از باب مقایسه و تطبیق گاه به روش‌شناسی برخی دیگر از حوزه‌های هم‌عرض احکام، مثل معارف یا اعتقادات دینی نیز پرداخته شده باشد؛ اما چنین مواردی اندک است و بحث تفصیلی آن به حوزه خود واگذار شده است.

ب) اهداف و ضوابط تحقیق

تبیین ماهیت و مصادیق هر کدام از حوزه‌های معارف دینی، گام اول و پایه برای تعیین روش‌های شناخت آن حوزه است. گرچه در بیشتر این عرصه‌ها، به‌خصوص حوزه احکام، از قدیم‌الایام تحقیقات دامنه‌داری صورت گرفته است، اما از حیث اختصاصات هر حوزه و نتایج روش‌شناختی آن، بحث مستقل و مستوفی صورت نگرفته است. از این جهت تحقیق بدیعی دشوار می‌نماید؛ چون در عین اینکه تحقیقی محصل و مختصر است، متوقف بر تحقیقی اصیل در همه مباحث اصولی و دیدگاه‌های مختلف درباره هر مسئله و موضوع است؛ اما ارزش آن، تحمل سختی‌ها را توجیه می‌کند؛ زیرا می‌تواند تحقیقی بنیادین و پایه برای تحقیقات بعدی در این حوزه تمهید باشد. در یک جمله، هدف از این تحقیق شناخت آن دسته از ویژگی‌ها و اختصاصات احکام از جهت ماهیت، قلمرو، متعلق، هدف و غایت، ماهیت آن با سایر حوزه‌ها، کارکرد و... است از آن حیث که در روش فهم و کشف احکام تأثیرگذار است.

ج) سؤال‌های تحقیق

۱- ج) مسئله اصلی تحقیق

ویژگی‌های حوزه احکام و تمایزات آن با سایر حوزه‌های معرفتی دین در

چیست؟ برآیند روش‌شناختی این ویژگی‌ها و تمایزات چیست؟

۲- ج) سؤال‌های فرعی تحقیق

- ماهیت حکم فقهی چیست؟
- ماهیت اعتبار چیست؟
- تفاوت انشا و اعتبار چیست؟
- اختصاصات حوزه احکام نسبت به سایر حوزه‌ها کدام است؟
- برآیند روش‌شناختی اعتباری بودن حکم چیست؟
- برآیند روش‌شناختی حکم چیست؟
- حجج امارات و حجج ظنی در حوزه احکام آیا قابل سرایت به سایر معارف دینی هم هست؟
- مبادی حکم چیست؟ چه برآیند روش‌شناختی دارد؟
- ساختار داخلی - کم - است و برآیند روش‌شناختی آن کدام است؟
- انواع حکم کدام است و آیا به تنوع موجب تنوع در روش‌شناسی آنها هم می‌شود؟
- روش‌شناسی هر یک از انواع حکم چگونه است؟

د) فرضیه یا فرضیه‌های تحقیق

حوزه احکام شرعی، هم از حیث ماهیت متمایز از سایر - رزدهای معرفت دینی است و هم به لحاظ مشخصات و مختصات ویژگی‌های - دارد که با وجود برخی اشتراکات در روش‌شناسی، مقتضی روش‌شناسی خاص متمایز از سایر حوزه‌هاست. در نفس حوزه فقه نیز با توجه به گستردگی بخش‌های آن، برخی حوزه‌ها می‌توانند روش‌شناسی خاصی متمایز از سایر حوزه‌ها داشته باشند.

ه) فرضیه‌های رقیب

دیدگاه‌های زیر می‌توانند رقیب این نوشتار مد نظر قرار گیرند:
- نفی امتیازات روش‌شناختی حوزه‌های مختلف معارف دینی و پیشنهاد

روشی واحد در همه یا بیشتر این حوزه‌ها؛

- نفی امتیاز روش‌شناختی حوزه‌های مختلف احکام و پیشنهاد روشی واحد برای رسیدن به مطلق احکام، اعم از احکام فردی، اجتماعی و فقه الحکومه؛
- لزوم تمسک به مطلق ظن و روش‌های متداول در فقه عامه مانند قیاس و مصالح مرسله و... دست‌کم در فقه حکومتی....

(و) پیشنهاد تحقیق

اساس روش‌شناسی احکام را می‌توان همراه و همزاد علم فقه دانست؛ برای مثال ابو محمد همام بن مسلم، اهل کوفه و از اصحاب امام صادق ع، اولین مسلمانی است که در علم اصول دو رساله به نام‌های *الالفاظ و مباحثها* و *کتاب الاخبار* به رشته تحریر درآوده است^۱ و یونس بن عبدالرحمن متوفای ۲۰۸ق از اصحاب امام کاظم ع و امام رضا ع است که در «اختلاف الحدیث» نوشته است. این کتاب اولین نوشته در باب «حججین متنازعه» و چگونگی رفع تعارض بین آنهاست.^۲ در عصر غیبت صفری نیز ابو اسحاق اسماعیل نوبختی (۲۳۷-۳۱۱ق) کتاب‌هایی در اصول فقه نوشته است که *الخصوص و العموم و الاسماء و الاحکام، النقض علی عیسی بن ابان فی الاجتهاد، نقض رساله الشافعی، نقض اجتهاد الرأی علی بن راوندی* از آن جمله‌اند.^۳ سپس در عصر شیخ مفید و سید مرتضی به صورت علمی منسجم و مدون چهره می‌نماید و امر به این قرن‌ها تکامل به صورت علمی گسترده در دست ما قرار گرفته است. اما در زمینه موضوع تحقیق، کتابی مستقل و مستوفی، نه تنها در حوزه احکام، بلکه در سایر حوزه‌ها نوشته نشده است. به‌تازگی محققانی در این زمینه پیشقدم شده، تحقیقات مقدماتی و در عین حال راهگشایی ارائه کرده‌اند؛ از آن جمله کتاب

۱. نجاشی اسامی این دو کتاب را ضمن شمارش حدود سی کتاب از او نقل کرده است (ر.ک: ابو عمرو کشی: *رجال نجاشی*؛ ص ۴۳۳-۴۳۴/ *فهرست ابن ندیم*؛ ص ۲۱۷-۲۱۸).

۲. شهید ثانی: *تمهید القواعد*، ص ۹۸.

۳. ر.ک: ابو عمرو کشی: *رجال نجاشی*؛ ص ۳۲/ *الفهرست للشیخ*؛ ص ۱۲-۱۳.

منطق فهم دین نوشته استاد رشاد، فصلنامه «پژوهش‌های اصولی» و کتاب دو جلدی جایگاه‌شناسی علم اصول را که مجموعه‌ای از مصاحبه‌ها و مقالات ارزنده در این زمینه است، می‌توان نام برد.

البته در اصل حکم‌شناسی، کتب و مقالات زیادی نگارش یافته است، اما در نوع آن به بحث مهم پرونده‌های روش‌شناختی آن کمتر توجه شده است. برخی آثار نیز در خصوص نوعی خاص از حکم یا حکم از نگاه فردی خاص است. برخی مقالات هم بدون ماهیت‌شناسی به طور مستقیم وارد بحث روش‌شناختی در محدوده خاص شده‌اند؛ اما اثری که اساس ماهیت حکم را بررسی و مادی و ساختار حکم و انواع آن را با نگاه برایندهای روش‌شناختی هر یک مورد بررسی و تحلیل قرار داده باشد، مشاهده نشد.

ز) روش تقلید

پیدا است که منبع اصلی این مباحث متون نوشتاری است؛ بنابراین روش گردآوری اطلاعات، کتابچه‌های است و جایگاه اول را در این مباحث دارد؛ ولی به تبع نوع مباحث اصولی، روش‌شناختی، از روش‌های عقلی و تحلیلی استفاده فراوان شده و گاه روش‌های نقلی نیز کار رفته است.

ح) نوآوری‌های تحقیق

سخن نو در حوزه فقه و اصول فقه که فحول و زبان عدلای دین عمر خود را در آن به تحقیق و تدوین و تحریر صرف کرده‌اند، که در سبب مشکل و ظریف است؛ بنابراین نگارنده مدعی نیست که حرفی نو و سالی تازه در این نوشتار دارد و نکاتی که در پی می‌آید، بیشتر شاید شکلی و ساختاری بوده یا از باب کمی بضاعت و اطلاع، توهم نبودن آن برای نگارنده حاصل شده باشد و اگر نبود تکلیف به اعمال آیین‌نامه پژوهشی، از بیان این بخش اجتناب می‌کردم. پیشاپیش از محضر استادان و بزرگان عذر می‌خواهم.

به‌طور کلی و موجز برخی نوآوری‌های این تحقیق از این قرار است:

نوآوری در اصل موضوع: تا کنون کتاب مستقلی با موضوع ماهیت‌شناسی

حکم همراه برابند روش شناختی آن مشاهده نشده است؛ گرچه مباحث مختلف مطرح شده در این کتاب به صورت موضوعی و پراکنده مطرح بوده است.

نوآوری در نقدهای کلی به روند و نحوه طرح برخی موضوعات مطرح در اصول فقه، به خصوص از شیخ انصاری به بعد؛ برای مثال ابهامات موجود در تعریف حکم و بیان ماهیت و حقیقت آن، ابهامات در معنای ارشادی و مولوی، پراکندگی و پریشانی مباحث و طرح آن در غیر جایگاه خود، ابهامات موجود در تلاقی حکم عقل و شرع، ابهامات در مراد از یقین معتبر در اعتقادات و... نوآوری‌های خاص در هر فصل و گفتار: نوع فصول و گفتارهای این تحقیق خالی از طرح مباحث کلیدی و ارائه دیدگاه‌های نو و گناه پاسخ به شبهه‌های نوپدید نیست.

در موضوع اعتبار بودن انکاه به دنبال اثبات این نکته‌ایم که اگر مراد از حکم، معنای مصدری آن، یعنی فعل شارع باشد، هرگز اعتباری نخواهد بود و اگر مراد معنای اسم مصدری، یعنی اسم احکام خمس باشد، باز انتزاعی است و نه اعتباری؛ مگر آنکه مراد از اعتباری، اسم از انتزاعی بدانیم. تعریف اصولیان از حکم میان دو معنای فوق سردرگم است.

در خصوص اعتباری بودن گزاره‌های فقهی و حقایق گزاره‌های اصولی نیز اثبات خواهد شد که هیچ کدام اعتباری نیست؛ زیرا هم اعتباری واقع است و اخبار امری واقعی عینی است؛ مگر آنکه مراد از اعتباری، اسم از انتزاعی بدانیم؛ مثلاً هر گزاره‌ای که در مورد امر اعتباری باشد، اعتباری بدانیم.

در برابند روش شناختی قلمرو حکم، بحثی عمیق و مستوفی در باب اعتباری، روایات و حجج در تفسیر، در امور اعتقادی، تفسیر، معارف و علوم انسانی مطرح خواهد شد که خالی از مطالب نو و ابداعی نخواهد بود.

قول به ظنی‌الدلاله بودن نقل که بر سر زبان‌ها افتاده، مورد نقد جدی قرار خواهد گرفت و بر اطمینان‌آور بودن بخش اعظم نقل تأکید خواهد شد.

قول به اعتبار یقین فلسفی حتی در اعتقادات مورد خدشه قرار گرفته و از سوی دیگر یقین‌آور بودن خبر متواتر در صورتی که یقین به معنای دقیق فلسفی

آن باشد، مورد نقد واقع خواهد شد.

تفکیک میان مطلوب در علوم غیرفقهی، اعم از تفسیر و سایر علوم انسانی اسلامی و وضعیت موجود در این علوم از نکات دیگری است که مورد مذاکره قرار می‌گیرد و نتیجه آن، نزدیک‌شدن به اعتبار امارات در این علوم خواهد بود. در این تحقیق بیش از نُه نگاه در حجیت یا نبود حجیت روایات در اعتقادیات مورد بررسی و تحلیل واقع می‌شود.

در بحث از مراتب حکم به تناسب، مبنای مهم و کارگشای خطابات قانونیه مطرح خواهد شد و ضمن تحلیل نظریه و آثار مهم مترتب بر آن، همه اشکالات مطرح در رد این مبنا بررسی و ضمن پاسخ‌های متعدد به اشکالات، اصل مبنای انکار سرف تثبیت می‌شود.

در فصل چهارم که بحث از مبادی حکم اختصاص دارد، نسبت انکار حسن و قبح عقلی را به تبع آن، نسبت انکار تبعیت احکام از مصالح و مفاسد به اخباریون نقد می‌شود. در استناد به کلمات فحول اخباریون، این نسبت رد خواهد شد. آنچه اخباریون آنرا بیان می‌کنند، تلازم میان حکم عقل و حکم شرع است. آنها عقل را به عنوان منبع حکم شرعی در کنار نقل نمی‌پذیرند. همچنین نسبت انکار حسن و قبح عقلی به همه آثاره مورد نقد واقع می‌شود.

در همین فصل در بحث ملازمه میان حکم عقل و شرع میان سه مقام تفکیک می‌شود: اول مقام درک مصلحت و مفاسد که در این مقام قطعاً عقل وقتی آن را درک کرد، یقین دارد که شارع نیز چنین درکی دارد. دوم مقام درک حسن و قبح که همچون سابق، عقل ملازمه را هم می‌پذیرد. اما مقام سوم که حکم الزامی عقل به فعل یا ترک است، ملازمه‌ای میان آن و حکم شرع نیست چون چه‌بسا شارع منع از حکم داشته باشد که موارد آن در متن بیان شده است. در نوع کلمات اصولیان میان این سه مقام تفکیک نشده و گاه در نحوه استدلال میان سه مقام خلط شده است.

در فصل پنجم در گفتار اول در ماهیت حکم حکومتی، پاسخ‌گویی آن به نیازهای متغیر اجتماع و روش‌شناسی آن، مطالب ابداعی مطرح شده است:

اینکه حکم حکومتی استنباطی نیست و محور آن بر تشخیص مصادیق مصالح استنباطی است؛ اینکه حکم حکومتی قسیم حکم شرع است، نه قسمی از آن؛ اینکه در حکم حکومتی، هر روش عقلایی می‌تواند کاربرد داشته باشد و حتی قیاس و استحسان در صورتی که در این موارد از روش‌های عقلایی محسوب شوند، به کار گرفته خواهند شد.

در گفتار دوم، هم در تعریف ارشادی و مولوی، هم در تعیین مصادیق آن و هم در روش‌شناسی آن مطالبی نو و کلیدی طرح شده است. از نظر نویسنده، کامل‌ترین تعریف مولوی، طبق گفته محقق اصفهانی، آن است که گفته شود مولوی حکمی است که در مقام ولایت مولا صادر شود؛ تعریف به اینکه مولوی در مواردی است که منقل حکم داشته باشد نقض و رد می‌شود؛ تعریف اینکه مولوی ثواب و عقاب مستقل در دینش و رد می‌شود و حتی در ارشادی بودن بسیاری از مواردی که متأخران ادعان به آن دارند، کمال خواهد شد. در روش‌شناسی حکم ارشادی نیز تنها یک معیار مورد تأکید قرار گرفته و آن دنیوی محض بودن مورد است. جالب آنکه تعریف ارشادی و مهم‌ترین مانع آن تا قبل از شیخ انصاری در فقه شیعه و عامه، دنیوی محض بودن آن بوده است و همه مباحث دیگر توسط شیخ و پس از او به میان کشیده شده است. طبق این تعریف و روش‌شناسی آن، بسیاری از آدابی که امروزه آداب مستحب یا مکروه مطرح است اگر دنیوی محض بودن آن اثبات شود - که بعید هم نیست - از اوامر دنیوی، ارشادی محسوب و حکم به استحباب یا کراهت شرعی آن دچار مشکل می‌شود در این گفتار، کلام بیشتر اصولیان مبنی بر ارشادی دانستن اوامری که برخی را - کلام وضعی از آن انتزاع می‌شود، مورد نقد قرار گرفته و تأکید خواهد شد که این موارد ارشادی نیست بلکه وضعی مولوی است.

در گفتار سوم بحث شرعی بودن احکام امضایی اثبات می‌شود و فقدان دخالت مطلق شارع در احکام امضایی مورد انکار قرار می‌گیرد. تفاوت‌های حکم امضایی و حکم ارشادی از نکات ابداعی دیگر این گفتار است که در جای دیگر دیده نشده است. همچنین در این بحث شبهه نوپدید تاریخ‌مندی

برخی احکام امضایی و تعیین ملاک برای آن، که از سوی برخی اندیشمندان فقه و حقوق شیعه مطرح شده، با ادله متقن ابطال می‌شود.

ط) نقدهای ایرادشده در تحقیق

این مسئله تا حدودی از بحث در نوآوری‌ها روشن شد؛ البته در هر کدام از مباحث نقدهای جدید نیز طرح شده که با مراجعه به هر بحث، روشن خواهد شد و شمارش آن در این مقدمه ممکن و روا نیست.

۱. ساختار تحقیق

این تحقیق پس از مقدمه و کلیات، در پنج فصل و هفده گفتار تنظیم شده است. فصل اول با عنوان «حیثی و هستی حکم و برآیند روش‌شناختی آن» در سه گفتار به معانی اعتبار، تعریف حکم و برآیند روش‌شناختی اعتباری بودن حکم پرداخته است. در گفتار اول معانی اعتبار، دیدگاه‌های مختلف در حقیقت امر اعتباری، دیدگاه‌های مختلف در تعیین ماهیت انشا، رابطه انشا و اعتبار و رابطه اعتبار و تنزیل مطرح شده است. در گفتار دوم تعریف حکم شرعی و هفت نظر در تبیین حقیقت حکم تدلیفی شرعی مورد تحلیل و نقد و بررسی قرار گرفته است. در گفتار سوم برآیند روش‌شناسی ماهیت حکم به بحث گذاشته شده است. در این گفتار، برآیند روش اعتباری بودن حکم نظیر چگونگی کاربرد عقل استدلالی در اعتباریات و تعبدی روش احراز اعتباریات مورد بحث واقع شده است.

در فصل دوم با عنوان «قلمرو حکم شرعی و برآیند روش اعتباری آن» پس از تعیین قلمرو احکام شرعی در گفتار اول، در دو گفتار دیگر برآیند روشی آن تحلیل قرار گرفته و به تناسب به اعتبار امارات و حجج در اعتقادات و بررسی نه نگاه در این خصوص، اعتبار حجج و امارات ظنی در تفسیر و در سایر علوم انسانی و بررسی پنج نگاه در این خصوص پرداخته و بحث‌های عمیق و ابداعی زیادی مطرح شده است.

فصل سوم با عنوان «ساختار داخلی حکم» در گفتار اول به تفکیک موضوع

حکم از متعلق حکم و متعلق متعلق حکم و سپس به بحث از مراتب حکم پرداخته است. در گفتار دوم مبنای مهم و کارگشای خطابات قانونیه که بحثی مترتب بر مراتب حکم است، مطرح و ضمن تبیین اصل مدعا و آثار و کارکردهای مهم اصولی مینا، به دفاع از مینا پرداخته و ضمن طرح هشت اشکال مهم، همه آنها مورد نقد قرار گرفته است.

فصل چهارم کتاب با عنوان «مبادی حکم و برابند روش‌شناختی آن» در دو گفتار تبیین ضرورت و ادله تبعیت احکام از مصالح و مفاسد و تبیین خاستگاه ملاکات احکام پرداخته است و در گفتار سوم توانایی عقل در کشف ملاکات بحث و مبادی تبیین شده است.

فصل پنجم به شرح اقتصادی مباحث، در شش گفتار تنظیم شد و ظرفیت گفتارهای دیگری را هر دالت که علت ظرفیت محدود تحقیق از طرح آن صرف نظر شد. گفتار اول بحث از ماهیت حکم حکومتی و برابند روش‌شناختی آن را مورد تحلیل قرار داده است. در گفتار دوم بحث مهم ارشادی و مولوی مطرح شده که حاوی نکات بسیار مهم و مطالب نو فراوانی است؛ تعریف خاص از حکم ارشادی و رد تعاریف رایج، تمسک میان دو اطلاق ارشادی در اصول فقه، نقد معیارهای مطرح در تمام ارشادی از مولوی و طرح سنجه مختار و دفاع از آن، از جمله مباحث مطرح در این گفتار است. گفتار سوم عهده‌دار بحث از احکام امضایی و تأسیسی و روش‌های اخیر هر یک از دیگری است. در این گفتار مباحثی چون تعریف حکم امضایی، سرع به‌دن امضاییات، تفاوت حکم امضایی و حکم ارشادی و پاسخ به شبهه تالیف‌مندی برخی احکام امضایی مطرح شده است.

گفتار چهارم به بحث از تعریف حکم وضعی، وجه تسمیه آن، دایره احکام وضعی، حقیقت حکم وضعی و روش‌شناسی آن اختصاص یافته است. در گفتار پنجم بحث احکام ظاهری و واقعی مطرح و راه‌های برون‌رفت از اشکالات اجتماع حکم ظاهری و واقعی مورد تحلیل قرار گرفته است. سرانجام، تعبدی و توصلی تقسیم دیگری از حکم است؛ البته در واجبات و

مستحبات، که گفتار ششم عهده‌دار تبیین حقیقت و روش‌شناسی آن است. در پایان شایان ذکر است برخی مطالب کتاب، به‌خصوص در بعضی گفتارهای اولیه را مدیون تلمذ هشت‌ساله در محضر درس فلسفه اصول استاد گرانقدرم حضرت آیت‌الله صادق آملی لاریجانی هستم و چون غیر از مکتوبات خودم و جزوه‌های درسی استاد سند دیگری موجود نبود، ناچار به استناد به همان جزوه درسی با بیان شماره جلسه اکتفا کردم. مطالبی که از استاد بیان کرده‌ام اما نقد نکرده‌ام، مورد اعتقاد خودم نیز هست. با پوزش از محضر استاد، امیدوارم رعایت امانت کرده باشم.

www.ketab.ir